

نقد اندیشہ می سلفی گری ایرانی

# پوسیدگی

دکتر عبدالعلی موحدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	: موحدی، عبدالعلی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: توتشل: نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی / عبدالعلی موحدی.
مشخصات نشر	: قم: موسسه فرهنگی هنری امامت اهل بیت <small>علیه السلام</small> ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص.
شابک	: ۱۰۰/۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰۵-۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: توتشل -- دفاعیه‌ها وردیه‌ها
موضوع	: Invocation--Apologetic works
موضوع	: توتشل
موضوع	: Invocation
رده بندی کنگره	: ۹۱۳۹۵ ت ۸۳ / ۶ / ۲۲۶ / ۶ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۴۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۹۰۴۷۴

(نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی)

# توسل

دکتر عبدالعلی موحدی

# توسل

(نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی)

گردآوری: عبدالعلی موحدی

ناشر: انتشارات امامت اهل بیت علیهم‌السلام

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول، پائیز ۱۳۹۵

قیمت: ۱۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰۵-۸-۳

نشانی: قم، بلوار معلم، کوی ۱۰، خیابان شهیدین، پلاک ۵۶

سایت: [www.emamat.ir](http://www.emamat.ir)

نشانی الکترونیکی: [nashr@emamat.ir](mailto:nashr@emamat.ir)

تلفن تماس: ۲-۳۷۸۳۸۶۹۰-۰۲۵

این اثر با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

## فهرست مطالب

آغازین کلام..... ۹

### مقدمه/۱۱

طرح مسئله..... ۱۳

تفکیک مباحث..... ۱۵

آنچه پیش رو داریم..... ۱۶

معناشناسی توّسل..... ۱۹

معنای توّسل..... ۲۰

معنای وسیله..... ۲۱

«سبب» و «ذریعه»..... ۲۵

### معقولیت توّسل/۲۷

توّسل در پهنه‌ی آفرینش..... ۳۱

جواز عقلی توّسل..... ۳۳

جواز عقلایی توّسل..... ۳۵

### توّسل، پیراسته از بدعت/۴۱

واژه‌شناسی مفهوم بدعت..... ۴۵

معنای لغوی بدعت..... ۴۵

معنای اصطلاحی بدعت..... ۴۶

عوامل مؤثر در تحقق بدعت حرام..... ۵۱

۱. انتساب به شرع..... ۵۱

- ۵۲..... ۲. انتساب ناروا از روی آگاهی
- ۵۴..... ۳. نیت فرد
- ۵۵..... ۴. جزئی و خاص بودن انتساب
- ۵۷..... توسل شیعی خالی از شائبه‌ی بدعت
- ۶۳..... «رجای شرعی» در توسل شیعی
- ۶۴..... مبادی سه‌گانه‌ی رجای شرعی
- ۶۴..... ۱. حوزه‌ی انتساب به شرع
- ۶۵..... ۲. احتمال عقلایی
- ۶۵..... ۳. نیت رجایی
- ۶۶..... روایات «من بلغ»
- ۶۷..... رجای شرعی مانع از بروز بدعت
- ۶۸..... نتیجه‌گیری

### توصیه‌های قرآنی به توسل/ ۶۹

- ۷۳..... آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی مائده
- ۷۵..... بررسی برخی شبهه‌ها
- ۷۵..... اشکال اول: آیه متشابه است
- ۷۹..... اشکال دوم: عطف در آیه، تفسیری است
- ۸۰..... اشکال سوم: «وسیله»، نام درجه‌ای در بهشت است
- ۸۴..... اشکال چهارم: «جستن» غیر از «خواندن» است
- ۸۵..... اشکال پنجم: اهل بیت علیهم‌السلام نیز مخاطبان آیه‌اند
- ۸۹..... آیه‌ی ۵۷ سوره‌ی اسراء
- ۹۵..... گونه‌های توسل به افراد در قرآن
- ۹۶..... پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
- ۹۶..... ایمان به ایشان
- ۹۶..... پیروی از ایشان
- ۹۷..... صلوات ایشان
- ۱۰۰..... استغفار ایشان
- ۱۰۵..... بررسی چند شبهه

۱۰۵.....	اشکال اول: لزوم طلب بخشش در حقّ النَّاسِ.....
۱۱۰.....	اشکال دوم: استغفار پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> محدود به حیات دنیوی.....
۱۱۳.....	اشکال سوم: اعتراف به گناه سبب بی حیایی.....
۱۱۳.....	حضرت یعقوب <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۴.....	توصیه به طلب مغفرت برای دیگران.....
۱۱۶.....	حضرت موسی <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۸.....	توسل برای برآورده شدن امور عادی از طریق غیر عادی.....
۱۲۰.....	حضرت سلیمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۳.....	درخواست رفع نیاز هر چند معجزه آسا.....
۱۲۴.....	توانمندی مسئول، مبنای درخواست از او.....

### جلوه های توسل در پرتو روایات / ۱۲۷

۱۳۱.....	انواع وسیله در روایات.....
۱۳۱.....	اسماء و صفات الهی.....
۱۳۴.....	نعمت های الهی.....
۱۳۶.....	کعبه.....
۱۳۶.....	قرآن کریم.....
۱۳۷.....	دانش و بینش.....
۱۳۸.....	مال دنیا.....
۱۳۹.....	بلایای دنیا.....
۱۳۹.....	برده و بنده.....
۱۴۰.....	روز.....
۱۴۱.....	اقرار به گناه و استغفار از آن.....

### اهل بیت علیهم السلام وسیله های بارگاه الهی / ۱۴۵

۱۴۹.....	اهل بیت <small>علیهم السلام</small> وسیله ی الی الله.....
۱۵۳.....	ایمان به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و پیروی از آنان.....
۱۵۷.....	دوستی با اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....
۱۶۱.....	مقدم داشتن اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در حاجت خواهی.....
۱۶۵.....	صلوات بر اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....

۱۶۷	روی کردن به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و زیارت ایشان
۱۷۵	خواندن خدا به وسیلهی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۷۶	توسل انبیا <small>علیهم السلام</small> به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در دعا
۱۷۹	توصیهی ائمه <small>علیهم السلام</small> به توسل به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در دعا
۱۸۲	آیا بنده برخدا حقی دارد؟
۱۸۵	نگاه کردن به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۸۹	یاد کردن اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۹۱	استغفار اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۹۵	حاجت خواهی مستقیم از اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۹۶	عدم نهی از «درخواست مستقیم» در شرع
۱۹۷	«درخواست وساطت» با «درخواست مستقیم» منافات ندارد
۱۹۹	«درخواست مستقیم» در کنار «درخواست وساطت»
۲۰۲	توانمندی های موهبتی اهل بیت <small>علیهم السلام</small> توجیه کنندهی «درخواست مستقیم»
۲۰۳	گونه هایی دیگر از «درخواست مستقیم» از اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۰۳	واگذاری امور به ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۰۵	پناه بردن به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و امان خواستن از ایشان
۲۰۹	درخواست کفایت و نصرت از اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۱۱	درخواست توجه و طلب مغفرت از اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۱۳	مراجعه به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و دستگیری ایشان در زمان حیات
۲۱۸	چند تذکر مهم
۲۲۱	سخن آخر
۲۲۵	فهرست منابع

## آغازین کلام

آن زمان که خداوند متعال برگزیدگان خویش را به پیامبری برانگیخت و آنان را برای هدایت انسان‌ها مبعوث کرد و همگان را به پیروی از ایشان ملزم ساخت، وساطت در هدایت را بنا نهاد و این حقیقت را آشکار کرد که برای نیل به قرب او و دست یافتن به رضایش، چاره‌ای جز مراجعه به این واسطه‌ها و پیروی از این سفیران وجود ندارد. در مقابل، انسان‌ها نیز از همان ابتدا این حقیقت را برنفتند و به بهانه‌های گوناگون از پذیرش اراده‌ی الهی در این امر، سرباز زدند.

تا آنکه آخرین پیامبران و برگزیده‌ی رسولان نیز به دیدار پروردگار خویش شتافت و پیش از سفر به دیار باقی، به امر خداوند برای خویش جانشینانی برگزید و اوصیای خویش را به تعیین الهی به مسلمانان معرفی کرد و بیان فرمود که هدایت جز در پرتو تمسک به این ذوات مقدّس به دست نمی‌آید و رضای الهی، تنها و تنها در گرو پیروی از ایشان است. مسلکی جز ولایت اینان وجود ندارد و صراط مستقیمی غیر از راه ایشان نهاده نشده است.

همچنین بیان فرمود که ایشان دروازه‌ی قرب الهی و وسیله‌ی درگاه اویند و هرگونه پیوند و ارتباط با ایشان، بندگان را به بارگاه خداوند نزدیک‌تر می‌کند.

این بار نیز حسودان و معاندان، این جایگاه را تاب نیاوردند و اراده‌ی خداوند را در اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام برنفتند، ولی شیعیان که پیروی از خداوند و رسول او را به

جان پذیرفته‌اند، با اقرار به مقامات والای اهل بیت علیهم‌السلام و باور به فضیلت‌های این خاندان و قبول اراده‌ی خداوند درباره‌ی این بزرگواران، بنای خود را بر هر چه نزدیک‌تر شدن به این خانواده قرار دادند تا با توسل به این برگزیدگان، به قرب الهی برسند. اما این عملکرد نیز بر مذاق دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام خوش نیامده است و در طول تاریخ اسلام، پیروان ائمه علیهم‌السلام از گزند عناد علمی و ستیز عملی دشمنان مصون نمانده‌اند. در این نوشتار بر آن شده‌ایم تا با تکیه بر دریای بیکران لطف الهی و متناسب با بضاعت ناچیز خود، قدمی در دفاع از حریم مقدس اهل بیت علیهم‌السلام برداریم و با خوشه‌چینی از خدمات اندیشمندان شیعه، چه در زمان‌های گذشته و چه در دوران معاصر، صفحه‌ای دیگر بر کتاب اندیشه‌ی شیعی بیفزاییم و با رویکردی تازه‌تر و بیانی امروزی‌تر، باطل بودن اتهام‌های مخالفان و واہی بودن ایرادهای آنان را آشکار سازیم؛ باشد که مورد استفاده‌ی ره‌جویان حقیقت قرار گیرد و در پرتو خرسندی پرورگار، بهره‌ی وافر اخروی نصیبمان گردد، ان شاء الله!

گفتنی است این نوشتار، حاصل مباحثات و گفت‌وگوهایی است که تحت اشراف استاد فرزانه، جناب آقای دکتر علیرضا رحیمیان و سرور ارجمند، جناب آقای حاجت‌الاسلام حاج شیخ صادق فائق و با هم‌اندیشی دوستان فرهیخته، به دست آمده است.<sup>۱</sup> روشن است که غنای علمی این مجموعه، نتیجه‌ی دقت نظرهای آن سروران و کم‌وکاستی موجود در آن، نشانه‌ی نقصان آگاهی نگارنده است. امید که خداوند متعال این تلاش ناچیز را به لطف و عنایت خود بپذیرد و قصور و تقصیرهای آن را ببخشد.

(۱) از این روست که در طول این نوشتار، آنجا که سخن منتسب به گردآورنده‌ی متن است، از افعال جمع استفاده شده است.

## طرح مسئله

در حیطه اشکال‌ها و ایرادها، کسانی که مخالفان شیعه به عقاید و تعروای شیعه‌گرایان در ذمه اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) می‌کنند، همان توسل است که شیعه مطرح گردانوس و از بی‌گناهی این قبیل شیعه‌ها بیشتر از سایر کسانی که ایراد می‌کنند، که باید دل جامعه شیعه زدگی کرده و می‌کنند و خود را به اهل بیت و نه اهل تشنه بلکه درانی و مانند آن معرفی می‌کنند یا از بی‌گناهی اهل بیت شیعه‌ها می‌گویند و قاضی در میان اهل تشنه هستند. از جمله مدعیان گروه نخست که در این نوشتار به صورت سلفی در ایران بررسی می‌شود، به بررسی رای آنان و هم‌فکرانشان پرداخته‌ایم. می‌تواند از اول اهل بقیع، حیدر علی قلم‌داران و پیرساف شیعه‌نام برد. البته در این نوشتار بیش از آنکه فرد یا افرادی خاص نقشه و بررسی شده باشند، بیشتر بر رویه و دلایلی که در این گروه تکاتب فکری مورد استفاده و قبول است، تحلیل و بررسی شده است.

## مقدمه

## طرح مسئله

از جمله اشکال‌ها و ایرادهایی که مخالفان شیعه به عقاید و نحوه‌ی عملکرد شیعیان در برابر اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام وارد می‌کنند، عنوان توسل است که خود سطوح گوناگونی را در برمی‌گیرد. این قبیل شبهه‌ها بیشتر از سوی کسانی ایراد می‌شود

که یا در دل جامعه‌ی شیعه زندگی کرده و می‌کنند و خود را نه شیعه و نه اهل تسنن، بلکه «قرآنی» و مانند آن معرفی می‌کنند یا آنکه تربیت شده‌ی مکتب وهابیت در میان اهل تسنن هستند. از جمله مصادیق گروه نخست که در این نوشتار به صورت عمده به بررسی آرای آنان و هم‌فکرانشان پرداخته‌ایم، می‌توان از ابوالفضل برقعی، حیدرعلی قلمداران و یوسف شعار نام برد.

هدف عمده‌ی

ما در این نوشتار،

بررسی مبانی شبهات

سلفی‌گرایان ایرانی در

عنوان توسل است.

البته در این نوشتار بیش از آنکه فرد یا افرادی خاص نقد و بررسی شده باشند، مبنا و اندیشه و دلایلی که در این گونه مکاتب فکری مورد استفاده و قبول است، تحلیل و بررسی شده است.<sup>۱</sup>

(۱) از این رو، این امکان وجود دارد که در برخورد با افراد یا نوشته‌های مختلف، چیدمان مطالب، متناسب با مورد خاص، تغییر کند. همچنین بسته به مورد، ورود و خروج مباحث نیز قابل تغییر است. در این نوشتار سعی ما بر این بوده است تا در چیدمان انتخابی خود، مبانی و ریشه‌های مباحث را مورد مذاقّه قرار دهیم و با توجه به آن، شبهه‌های متداول در هر عنوان را بررسی کنیم و سؤال‌های مربوط را پاسخ دهیم. در نتیجه، چنین به نظر می‌رسد با این بررسی‌ها بتوان شبهه‌های فراوانی را برطرف کرد. امید

در یک تقسیم اولیه، می‌توان شبهه‌های مخالفان را به شبهه‌های عقلی و نقلی تقسیم کرد. در عنوان شبهه‌های عقلی می‌توان این گونه شبهه‌ها را در کلام آنها مشاهده کرد: گاه واسطه‌جویی به درگاه الهی را خلاف عقل و مورد نهی عقل برمی‌شمردند که در اینجا معمولاً به صفات خداوند استناد می‌کنند؛ نظیر اینکه خداوندی که قادر و عالم و سمیع و بصیر است و از خواسته‌ها و مشکلات بندگان آگاه است و نجوای آنان را می‌شنود و خود، توانایی پاسخ دادن به بندگان را دارد، به وساطت اهل بیت علیهم‌السلام نیازی ندارد، یا اینکه خداوند، خود بر بندگانش رحمت و رأفت دارد و بخل، از ساحت ربوبی او مبراست و در نتیجه، به برانگیختن لطف و مهر او از راه مخلوق‌هایش نیازی نیست.

گاه نیز با وجود خدای قادر مطلق و عالم مطلق، مراجعه به غیر را دور از سیره‌ی عقلا و کاری مرجوح و غیرعقلایی یا لغو و بیهوده معرفی می‌کنند.

در عنوان شبهه‌های نقلی نیز می‌توان تعبیر گوناگونی را از مخالفان مشاهده کرد. اصلی‌ترین اتهامی که مخالفان در توشل شیعیان به اهل بیت علیهم‌السلام طرح می‌کنند، اتهام شرک است که عمدتاً - به زعم خود مبتنی بر آیات قرآنی - با تشبیه شیعه به مشرکان، آن را نتیجه می‌گیرند. اتهام دیگر شیعه، مخالفت رفتار آنان با قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و یک درجه بالاتر، بدعت بودن عملکرد ایشان در توشل به اهل بیت علیهم‌السلام است.

در نهایت نیز - پس از پاسخ‌گویی شیعه به اتهام‌های آنان - با استناد جاهلانه به آیات قرآنی و با انکار حیات برزخی یا نفی ارتباط میان اهل دنیا و برزخیان، همت خود را به نفی توشل به اهل بیت علیهم‌السلام پس از شهادتشان معطوف می‌دارند و به خیال خود، هر چند مراتب و گونه‌های دیگر توشل به این ذوات مقدّس

→ است که خواننده‌ی گرامی با استفاده از این مبانی و بهره‌گیری از مفردات این مباحث، از عهده‌ی بررسی و پاسخ‌گویی به موارد خاص برآید.

شبهات مخالفان  
را در دو عنوان عقلی و  
نقلی بررسی می‌کنیم.

هدف اصلی

مخالفان، ردّ توشل به  
اهل بیت علیهم‌السلام آن هم  
پس از شهادتشان است.

یا وسایل دیگر را بپذیرند، به طور قطع زیر بار پذیرش این توسل و قبول این ارتباط نمی‌روند و در نتیجه، بار دیگر و از دریچه‌ای تازه‌تر، ایرادها و اشکال‌های خود را به عقاید و اعمال شیعه مرور می‌کنند که نمونه‌هایی از روند تلاش مخالفان را در خلال مباحث آینده در اختیار خوانندگان قرار خواهیم داد.

### تفکیک مباحث

در برابر این حجم به ظاهر فراوان از شبهه‌ها و ایرادها، کاری که در این نوشتار انجام داده‌ایم، بررسی جزئی و موردی مبحث توسل، آن هم از دریچه‌ای خاص است. توضیح اینکه، از روش‌های مخالفان در مقام شبهه‌پراکنی این است که از هر دری و به هر راهی در صدد ضربه زدن به مبانی فکری شیعه هستند و با خلط مبحث و از این شاخه به آن شاخه پریدن،

برای پرهیز از آمیختگی، در این جا تنها به عنوان توسل پرداخته‌ایم و از مباحث مرتبط دیگر صرف نظر کرده‌ایم.

به دنبال آن‌اند که حجم شبهه‌های خود را انبوه جلوه دهند تا بتوانند از اثر روانی این کار استفاده کرده، با سردرگم کردن مخاطب، حقایق خود را به کرسی بنشانند. از این رو، برای جلوگیری از این آشفتگی و به منظور روشن شدن مباحث، شیعیان نیز باید بکوشند شبهه‌های آنها را دسته‌بندی کرده، هر کدام را به صورت جداگانه پاسخ گویند. در بحث توسل نیز این واقعیت برقرار است. البته در این عنوان، عامل دیگری که دستاویز مخالفان در آشفته کردن بحث شده، این واقعیت است که شیعیان در توسل به اولیای خود، مراسم گوناگونی انجام می‌دهند و در نتیجه، عناوین بحثی مختلفی را فراهم می‌آورند؛ عناوینی چون زیارت قبور، بنای بر قبور، شفاعت و ...

بسیاری از شبهه‌های مخالفان - چه در این بحث و چه در عناوین دیگر - مبتنی بر مشرک خواندن شیعه به دلیل باورها و عملکردهایش در برابر ذوات مقدس اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام است که در نوشته‌ای جداگانه به بررسی این اتهام و مبرّا بودن شیعه از این امر پرداخته‌ایم.<sup>۱</sup>

(۱) نک: حقیقت توحید، توهم شرک از همین نگارنده.

درباره‌ی دیگر شبهه‌ها نیز بنای ما در این نوشتار این است که از پرداختن به مباحث اختصاصی عناوین دیگر پرهیزیم و شبهه‌های ویژه‌ی هر عنوان را در جای خود بررسی کنیم. برای مثال، بحث شفاعت قرابت بسیاری با عنوان توّسل دارد و مباحث این دو عنوان بسیار به هم نزدیک است و شبهه‌های مخالفان در این دو عنوان نیز بسیار به هم آمیخته است یا شبهه‌هایی که در خصوص رفتن به زیارت قبور و فایده و مشروعیت آن مطرح است، با بحث توّسل هم پوشانی فراوانی دارد که پرداختن به همه‌ی آنها با بنای ما در این نوشتار که همانا پرهیز از آشفتگی و درهم‌تنیدگی است، سازگاری ندارد. از این رو، بررسی آن را به نوشتارهای دیگر واگذاشته‌ایم.

همچنین اشکال مشترکی نیز وجود دارد که از آن با عنوان حیات برزخی نام می‌بریم. این اشکال، هم در بحث توّسل و هم در عناوین دیگر مورد تمسک مخالفان قرار می‌گیرد و با تکیه به این خیال که بر اساس آیات و روایات، در برزخ حیاتی نیست و اگر هم باشد، ارتباط با آن ممکن نیست، به زعم خود پایگاهی استوار یافته‌اند و متکی بر آن، بر شبهه‌هاشان اصرار می‌ورزند. به توفیق الهی این اشکال را در نوشتاری مجزا و با همین عنوان بررسی کرده‌ایم تا هم از دستاوردهای آن در بحث توّسل بهره‌بریم و هم از شبهه‌افکنی مخالفان در مباحث دیگر جلوگیری کنیم.

### آنچه پیش رو داریم

با در نظر گرفتن مطالب پیش‌گفته، توجّه به نکته‌های ذیل نیز اهداف و جزئیات مورد نظر این نوشتار را برای خوانندگان محترم آشکارتر خواهد ساخت:

در این نوشتار با صرف نظر از جزئیات عقیده و عملکرد شیعه در توّسل به اهل

بیت علیهم‌السلام، به‌طور عمده به تحلیل و بررسی مبانی این عنوان نزد شیعه پرداخته‌ایم. در

ارائه‌ی شبهه‌های مخالفان نیز همین نکته را مورد عنایت قرار داده،

به بررسی شبهه‌هایی پرداخته‌ایم که بر این مبانی ایراد گشته است.

مباحث خود را در پنج بخش عمده ارائه کرده‌ایم. در بخش نخست با

عنوان معقولیت توّسل به بررسی اشکال‌ها و شبهه‌های به ظاهر عقلی

و عقلایی پرداخته‌ایم. دستاورد مهمّ ما در این بخش - پس از بررسی

در یک نگاه

فراگیر، رجوع به واسطه‌ها

امری معقول و مطابق

سیره‌ی عقلاست.

مقدماتی مفهوم توسل مبتنی بر کاربرد لغوی که در بخش مقدمه ارائه شده است - این است که مفهوم عام توسل، حقیقتی شرعی و تأسیس شده از سوی شرع نیست، بلکه مطابق سیره عقلاست و تا وقتی معنی خاص، چه از طرف عقل و چه از ناحیه‌ی شرع بر مصداق یا مصادیقی از آن وارد نشده باشد، روی آوردن به آن رواست.

در بخش دوم این نوشتار با عنوان توسل، پیراسته از بدعت به مبانی شبهه‌ی بدعت پرداخته‌ایم و طی بررسی‌های انجام شده، این نتیجه حاصل گشته است: اگر انتساب به شرع در توسل به مصداقی خاص، به دلیلی معتبر - چه قطعی و چه رجایی - مدلل بود، این انتساب، خالی از شبهه‌ی بدعت خواهد بود و در غیر انتساب مصداقی این صورت، یعنی اگر انتسابی به شرع وجود نداشته باشد، از توسل به شرع بر طبق بدعتی نیز رخ نداده است. بدعت در جایی روی می‌دهد که دلیل معتبر، بدعت امری بدون دلیل به دین منتسب شود.

از آنجاکه شرعی دانستن و عبادت بر شمردن توسل به اهل بیت علیهم‌السلام نیازمند دلیل است و ارائه‌ی دلیل معتبر در این مدعا، به عهده‌ی شیعه می‌باشد، از بخش سوم این نوشتار به بعد، به ارائه‌ی مدارک نقلی توسل به معنای خاص پرداخته‌ایم. منظور ما از این توسل، واسطه‌جویی به درگاه الهی به عنوان عبادت خدا و به منظور کسب قرب معنوی و بهره‌مندی از رحمت و ثواب خداوند است.

همان‌طور که گفتیم، هدف عمده‌ی ما در ادامه‌ی این نوشتار، ارائه‌ی ادله‌ی نقلی بروسیله بودن اهل بیت علیهم‌السلام است که در بخش انتهایی آمده است، ولی به منظور زمینه‌سازی و رفع برخی استبعادها، و نیز برای دفع برخی شبهه‌ها و نقض برداشت‌های ناصواب از متون نقلی، در بخش سوم با عنوان

توصیه‌های قرآنی بحث را از توصیه‌ی قرآنی به توسل و با ارائه‌ی دو آیه در توصیه‌ی عام به توسل به درگاه الهی آغاز کرده‌ایم و در ادامه، به آیاتی اشاره کرده‌ایم که در آن، به وسیله بودن افراد در بارگاه الهی تصریح شده است. دستاورد مهم ما در این بررسی، زمینه‌سازی قرآنی برای ارائه‌ی مدارک و وسیله بودن اهل بیت علیهم‌السلام است تا پیشتر، مطابقت این مدارک را با قرآن و بهانه‌ی مخالفت با قرآن را از دست مخالفان ستانده

باشیم. همچنین توانسته باشیم با بررسی روش های توسل به افراد، با گونه های قابل فرض در توسل به اهل بیت علیهم السلام آشنا شویم.

<p>در بخش چهارم و در ادامه ی بررسی قرآنی با عنوان جلوه های توسل در روایات، به ارائه ی روایاتی پرداخته ایم که اولاً: کمتر از سوی مخالفان مورد خدشه قرار گرفته و مضامین آن پذیرفته شده است. ثانیاً: در بردارنده ی گونه هایی از توسل است که می توانیم در کنار آیات قرآنی، از آنها نیز در ترسیم نحوه های مختلف توسل به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> بهره بریم.</p>	<p>بررسی آیات و روایات، گونه های مختلف وسیله شدن افراد، به ویژه اهل بیت <small>علیهم السلام</small> را آشکار می سازد.</p>
---	---

در نهایت و در بخش اهل بیت علیهم السلام وسیله های درگاه الهی به عنوان مشتی نمونه ی خروار، عناوین دهگانه ای از روایات را ارائه کرده ایم که به وسیله بودن این بزرگواران تصریح می کند و پایگاه و وثیق نقلی را برای اعتقاد و عملکرد شیعه فراهم می سازد. گفتنی است این مجموعه از مستندات نقلی با چنین چینی در کمتر نوشتاری در این زمینه دیده می شود.

<p>همچنین به مناسبت اشاره به تقدیم این ذوات مقدس <small>علیهم السلام</small> در حاجت خواهی به درگاه الهی، در انتهای این بخش پرسشی را درباره ی حاجت خواهی مستقیم از اهل بیت <small>علیهم السلام</small> طرح کرده ایم که: آیا باید این بزرگواران را صرفاً واسطه ی درخواست خود از خدا قرار دهیم یا آنکه می توان برآورده کردن حاجت را از خود ایشان هم درخواست کرد؟ دستاورد ما در پاسخ به این پرسش این است که صرف نظر از رجحان یا استحباب درخواست مستقیم از اهل بیت <small>علیهم السلام</small> که در این نوشتار بدان نپرداخته ایم، در آموزه های اهل بیت <small>علیهم السلام</small>، هم به درخواست وساطت از این خاندان امر شده، و هم درخواست مستقیم از ایشان مورد تأکید و تعلیم قرار گرفته است و هر دو شیوه، به آموزه های قطعی و بیانات متواتر روایی مستند است.</p>	<p>در دین اسلام، هم «درخواست وساطت» از اهل بیت <small>علیهم السلام</small> مورد تأکید است و هم «درخواست مستقیم» از ایشان.</p>
---	---

## معناشناسی توسل

در بحث توسل ابتدا و به منظور مقدمه چینی برای ترسیم فضای بحث، به بررسی لغوی این واژه می‌پردازیم. توجه به چند نکته در این باره ضروری است:

- قصد ما در این بررسی لغوی، صرفاً پیروی از سنت معهود در نوشتارهای موجود نیست؛ هرچند در یک نوشته‌ی آموزشی تبیین موضوع، آن هم از حیث لغت، کارآیی و فایده‌ی خود را دارد.

- همچنین ثمره‌ی بررسی لغوی در بحث توسل، اثبات عقیده‌ی شیعه و تصحیح عملکرد شیعیان در ارتباط با امامان معصوم علیهم‌السلام نخواهد بود؛ که این مهم نیازمند ادله‌ی قرآنی - روایی است و در بخش دوم بدان پرداخته‌ایم.

- انگیزه‌ی ما از پرداختن به این بررسی، فراهم آوردن بستری برای دفع برخی شبهه‌هاست که آن را با عنوان «شبهه‌های عقلی - عقلایی» می‌شناسیم. در نگاهی کلی، مخالفان در این شبهه‌ها درصدد آن‌اند که عملکرد شیعه را در توسل به ائمه علیهم‌السلام با ادله‌ی به‌زعم خودشان عقلی، مردود بدانند و آن را مخالف رویت و عملکرد عقلا معرفی کنند؛ حال آنکه با بررسی لغوی به این حقیقت پی می‌بریم که نه تنها سیره‌ی عقلا، بلکه اساس آفرینش بر مبنای توسل است. تفصیل این مطلب را در ادامه ارائه خواهیم کرد.

- همچنین در این بررسی این نتیجه نیز آشکار می‌شود که توسل، حقیقتی شرعی نیست تا در پی‌گیری از آموزه‌های دینی به دنبال اثبات شرعی حقیقتی با عنوان توسل

باشیم. این مطلب تفصیلی دارد که در بررسی شبهه‌ی بدعت طرح خواهد شد.

### معنای توَسَّل

در بررسی کتاب‌های لغت، این مطلب روشن می‌شود که توَسَّل به معنای تقرُّب است. ابتدا باید اشاره کنیم که ریشه‌ی وسل دو معنا دارد و به اصطلاح، مشترک لفظی است:

(وسل) الواو والسین واللام: كَلِمَتَانِ مُتْبَائِيَتَانِ جِدًّا. الْأُولَى الرَّغْبَةُ وَالطَّلَبُ، يُقَالُ: وَسَّلَ، إِذَا رَغِبَ، وَ الْوَأَسَلُ: الرَّاغِبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَمِنْ ذَلِكَ الْقِيَاسُ: الْوَسِيلَةَ. وَالْأُخْرَى السَّرِقَةُ. يُقَالُ: أَخَذَ إِبِلَهُ تَوْسَلًا<sup>۱</sup>

ریشه‌ی وسل برای دو معنا وضع شده است: یکی میل داشتن و طلب کردن، و دیگری دزدی. معنای دوم در این نوشتار مورد نظر نیست و آن را پی نخواهیم گرفت. اما معنای طلب و رغبت را که معنای مورد نظر در بحث ماست، در کتاب‌های لغوی بررسی می‌کنیم:

وَسَّلْتُ إِلَى اللَّهِ بِالْعَمَلِ أَسَلُ مِنْ بَابٍ وَعَدَدٍ: رَغِبْتُ وَتَقَرَّبْتُ، ... وَتَوَسَّلَ إِلَى رَبِّهِ بِوَسِيلَةٍ: تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِعَمَلٍ<sup>۲</sup>

وَسَّلْتُ إِلَى رَبِّي وَسِيلَةً، أَي: عَمِلْتُ عَمَلًا أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْهِ. وَتَوَسَّلْتُ إِلَى فُلَانٍ بِكِتَابٍ أَوْ قَرَابَةٍ، أَي: تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْهِ<sup>۳</sup>

وَالتَّوَسُّلُ وَالتَّوَسُّلُ وَاحِدٌ. يُقَالُ: وَسَّلَ فُلَانٌ إِلَى رَبِّهِ وَسِيلَةً، وَتَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِوَسِيلَةٍ، أَي تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِعَمَلٍ<sup>۴</sup>

... وَوَسَّلَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى تَوْسِيلاً، عَمِلَ عَمَلًا تَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْهِ كَتَوْسَلًا، يُقَالُ: وَسَّلَ وَسِيلَةً، وَتَوَسَّلَ بِوَسِيلَةٍ، وَفِي الصَّحَاحِ: التَّوَسُّلُ وَالتَّوَسُّلُ وَاحِدٌ<sup>۵</sup>

چنان‌که می‌بینیم، فعل ثلاثی مجرد وَسَّلَ (بروزن فَعَلَ يَفْعَلُ) و ثلاثی مزید وَسَّلَ

(۱) معجم مقائیس اللغة، ابن فارس. در صحاح، جوهری نیز می‌بینیم: «وَالتَّوَسُّلُ وَالتَّوَسُّلُ أَيْضًا: السَّرِقَةُ. يُقَالُ: أَخَذَ فُلَانٌ إِبِلِي تَوْسَلًا، أَي سَرَقَهُ».

(۲) المصباح المنیر، فیومی.

(۳) کتاب العین، فراهیدی.

(۴) صحاح، جوهری.

(۵) تاج العروس، زبیدی و نظیر آن: لسان العرب، ابن منظور.

(باب تفعیل) و تَوَسَّلَ (باب تفعل) به یک معنا و به معنای تقرّب به کار رفته است که آن هم به معنای طلب القرّبه است؛<sup>۱</sup> یعنی نزدیکی جستن و خواستار نزدیکی به چیزی شدن که ریشه‌ی طلب و رغبت در آن دیده می‌شود. همچنین این لغت دو متعلّق دارد که با حرف اضافه‌ی «إلی» و «بِ» به کار می‌رود. نخستین متعلّق، کسی یا چیزی است که خواستار نزدیک شدن به او هستیم و دومین متعلّق، راه یا ابزاری (و وسیله‌ای) است که این نزدیکی جستن از آن طریق انجام می‌شود. البتّه در نقل‌هایی که تاکنون دیدیم، متعلّق إلی، معمولاً الله بود، ولی در ادامه نشان خواهیم داد در لغت، از باب نمونه به این مصداق اشاره شده است.

### معنای وسیله

متعلّق دوم توسل که با «بِ» به کار می‌رود، در حقیقت همان وسیله است:

الْوَسِيلَةُ: مَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى الْغَيْرِ، وَالْمَجْمُوعُ: الْوَسِيلُ وَالْوَسَائِلُ.<sup>۲</sup>  
هِيَ فِي الْأَصْلِ مَا يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ وَيُتَقَرَّبُ بِهِ.<sup>۳</sup>

به آنچه به سبب آن و به واسطه‌ی آن، نزدیکی و رسیدن و اتّصال به چیزی طلب می‌شود، وسیله می‌گویند و همان‌طور که در نقل‌التّهایه می‌بینیم، الشّیء به‌طور عام به کار رفته است و هر چیزی را دربرمی‌گیرد؛ خواه آن چیز، خدا باشد یا انسان یا هر چیز دیگر. از همین‌جا نیز معلوم می‌شود الغیر هم لزوماً انسان نیست و همه چیز را شامل می‌شود.<sup>۴</sup>

(۱) «تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِشَيْءٍ أَوْ طَلَبَ بِهِ الْقُرْبَةَ عِنْدَهُ تَعَالَى» (نک: لسان العرب، ابن منظور؛ صحاح، جوهری؛ مجمع البحرین، طریحی).

(۲) صحاح، جوهری.

(۳) التّهایه فی غریب الحدیث والأثر، ابن اثیر و نظیر آن: المصباح المنیر، فیومی؛ لسان العرب، ابن منظور؛ تاج العروس، زبیدی؛ مجمع البحرین، طریحی؛ مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی.

(۴) برای نمونه، در برخی روایات هم آمده است: «... وَاسْتَجْلِبْ زِيَادَةَ التَّعْمِ بِعَظِيمِ الشُّكْرِ وَتَوَسَّلْ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِخَوْفِ زَوَالِ التَّعْمِ»؛ با شکر بسیار، زیادی و وفور نعمت را جلب کن و ترس از دست دادن نعمت را وسیله‌ی نیل به شکر فراوان قرار ده. (بحار الأنوار، مجلسی ۱۶۴/۷۵).

گاهی به دلیل اینکه در برخی کتب لغت در توضیح معنای توسل، «إلی فلان» درج شده است، بیان می‌شود که متوسّل إلیه باید ذی شعور باشد. اما همان‌طور که می‌بینیم، در برخی کتب لغت به جای «إلی فلان»، «إلی شیء» آمده است. فایده‌ی توسعه‌ی مصداق متوسّل إلیه از ذی شعور

همچنین خود وسیله نیز هر چیزی می‌تواند باشد؛ چنان‌که در نقل‌های قبل دیدیم در کتاب‌های لغت از کتاب (نوشته یا نامه) و قرابت و عمل با عنوان وسیله نام برده شده بود.

البته باید در نظر داشت که به هر حال هرگاه چیزی وسیله برای رسیدن به هدفی می‌شود، برای تحققِ توَسَل به او، باید با او ارتباط برقرار کرد. مثلاً عمل را باید انجام داد، نامه را باید نوشت و به دیگری رساند و مانند آن. این نکته که به هر حال در هر توَسَل به وسیله‌ای، عملی صورت می‌گیرد، نباید این گمان را پدید آورد که وسیله فقط عمل است، بلکه اگر چیزی وسیله شد، باید نحوه‌ی ارتباط مؤثر با او و تمسک به او را در رسیدن به هدف تشخیص داد و از آن طریق جویای نزدیکی به هدف شد.

در بحثی دقیق‌تر شاید بتوان این‌گونه بیان کرد: در جایی که کتاب یا قرابت (و یا حرمت و احترام) وسیله خوانده شده است، توجیهِ توَسَل به این صورت است که مثلاً درباره‌ی نامه، نگاشتن آن نامه یا رساندن آن به فردی که نزدیکی به او مطلوب است، همان توَسَل ما به نامه خواهد بود. در خصوص قرابت و حرمت، به یادآوردن آن و به اصطلاح به رخ کشیدن آن و مانند آن، همان توَسَل است که وسیله هم همان قربت و حرمت خواهد بود.

در نتیجه، در جایی که یک عمل را وسیله دانسته‌اند، توَسَل به آن، به دوگونه صورت می‌گیرد: (۱) می‌توان آن عمل را انجام داد؛ چنان‌که در معانی لغوی نیز چنین آمده بود که: «وَسَلْتُ إِلَى رَبِّي وَسِيلَةً، أَي: عَمِلْتُ عَمَلًا أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْهِ»؛ یعنی اگر این عمل را برای مثال، نماز در نظر بگیریم، نزدیکی جستن به وسیله‌ی نماز به درگاه الهی، اقامه کردن و

→ به شیء این است که مثال‌های عرفی که عقلی. عقلایی است نیز مشمول معنای لغوی توَسَل می‌شود. مثلاً اینکه «با این ماشین به کوه می‌رویم» نیز مصداق توَسَل می‌شود که متوَسَلِ إِلَيْهِ کوه است و وسیله هم ماشین.

بنابراین، واسطه‌خواهی‌های روزمره نیز توَسَل است؛ چه برسد به مراجعه‌های شیعه به امامان علیهم‌السلام. به بیان دیگر، اگر شیعه در مراجعه به امامان علیهم‌السلام واژه‌ی توَسَل را به کار می‌برد، بی‌ربط نمی‌گوید؛ چراکه این واژه برای همه‌ی مراجعه‌های روزمره در رفع حاجت‌های مادی و معنوی به کار می‌رود. در نتیجه، نمی‌توانند بگویند: «شیعه عقاید و عملکردهایی دارد که سابقه‌ای ندارد و با هیچ مطلبی جمع نمی‌شود».

خواندن آن است (شبیبه به نگاشتن نامه). این گونه وسیله خواندن عمل، در واقع کاربرد اسم مفعول<sup>۱</sup> (وسیله) به جای مصدر (توسل) است که البته مجاز رایجی است. (۲) می توان آن عمل را یادآوری کرد و به رخ کشید؛ بدین ترتیب که نماز خوانده شده یا عمل انجام گرفته را یادآوری کرد و آن را وسیله قرار داد و به سبب آن، نزدیکی به خدا یا کسی دیگر را خواستار شد (شبیبه به قربت و حرمت).<sup>۲</sup>

در این صورت، وسیله بودن نماز یا یک عمل، فقط خواندن نماز و انجام آن عمل نیست، بلکه افزون بر اینکه خواندن نماز و انجام عمل، توسل است، می توان نماز خوانده شده یا عمل انجام شده را وسیله قرار داد و با یادآوری آن، تقرّب جست.<sup>۳</sup> این

(۱) در یک تعبیر، وزن فعیل، نایب اسم مفعول خوانده شده است (نک: شرح ابن عقیل، ابن عقیل ۲/۱۳۸).  
(۲) در روایات فریقین این نوع توسل، در این جریان قابل مشاهده است: جریان سه نفر که در غاری گرفتار شده بودند و با یادآوری کارهایی که برای رضای خدا انجام داده بودند، به درگاه خدا توسل و تضرع کردند و خدا راه را بر آنان گشود و نجاتشان داد (نک: الخصال، صدوق ۱/۱۸۴؛ بحار الأنوار، مجلسی ۱۴/۴۲۱ و ۲۶/۴۲۶؛ طوسی ۳۹۶/۳؛ مسند احمد، أحمد حنبلی ۲/۱۱۶؛ صحیح البخاری، بخاری ۵۱/۳ و ۱۴۷/۴ و ۶۹/۷؛ الجامع الصحیح، مسلم ۸/۸۹ و ...).

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «ما تَوَسَّلَ أَحَدٌ إِلَيَّ بِوَسِيلَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ إِذْكَارِي بِنِعْمَةٍ سَلَفْتُ مِنِّي إِلَيْهِ أَعِيدَهَا إِلَيْهِ» (نک: بحار الأنوار، مجلسی ۷/۴۲۰) و شبیه آن از امیر مؤمنان علیه السلام: «ما تَوَسَّلَ أَحَدٌ إِلَيَّ بِوَسِيلَةٍ أَجَلٌ عِنْدِي مِنْ يَدٍ سَبَقَتْ مِنِّي إِلَيْهِ لِأُرْتَبِعَهَا عِنْدَهُ بِإِتْبَاعِهَا أُخْتَهَا فَإِنَّ مَنَعَ الْوَأَخِرَ يَقْطَعُ شُكْرَ الْوَأَوَّلِ» (غرر الحکم، تمیمی آمدی ۶۹۷).

نیز در دعای ابو حمزه می خوانیم: «... فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِاللَّسْتِمِمْ لِيَحْقِقُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ فَأَذْرَكُوا مَا أَقْلُوا وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِاللَّسْتِمِمْ وَ قُلُوبِنَا لَتَعْفُو عَنَّا فَأَذْرَكْنَا مَا آمَلْنَا وَ تَبَّتْ رِجَاءُكَ فِي صُدُورِنَا ...» (نک: مصباح المتعجب، طوسی ۲/۵۹۰؛ إقبال الأعمال، سید بن طاووس ۱/۷۲؛ البلد الأمين، کفعمی ۲۰۹؛ بحار الأنوار، مجلسی ۹۵/۸۸).

همچنین در سنن، ابن ماجه ۱/۲۵۶ و مسند احمد، أحمد حنبلی ۳/۳۱ آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «مَنْ حَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَى الصَّلَاةِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنَشَائِ هَذَا قَائِلِي لَمْ أُخْرِجْ أَسْرًا وَ لَابْطَرًا وَ لَارِيَاءً وَ لَأَشْمَعَةً وَ خَرَجْتَ إِتْقَاءَ سَخَطِكَ وَ إِنْغَاءَ مَرْضَاتِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَ أَنْ تَعْفِرَ لِدُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ».

(۳) در بحار الأنوار، مجلسی ۸۳/۳۸ به نقل از البلد الأمين، کفعمی آمده است: «وَمِنْهُ تَقُولُ مَا رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَةٍ: إلهي هذه صَلَاتِي صَلَّيْتُهَا لَا لِحَاجَةٍ مِنْكَ إِلَيْهَا وَلَا رَغْبَةٍ مِنْكَ فِيهَا إِلَّا تَعْظِيمًا وَ طَاعَةً وَ إِجَابَةً لَكَ إِلَى مَا أَمَرْتَنِي إلهي إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ نَقْضٌ مِنْ رُكُوعِهَا أَوْ سُجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَ الْعَفْوِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» و نظیر آن: مصباح، کفعمی ۲۰/۲۰.

مدل‌سازی که از بحث لغت قابل دریافت است، در توسعه‌ی وسایل و در توجیه گونه‌های وسیله بودن اهل بیت علیهم‌السلام به کار می‌آید که در ادامه‌ی این نوشتار و در عناوین مربوط، بدان خواهیم پرداخت.

در برخی کتاب‌های لغوی معانی دیگری نیز برای وسیله ذکر شده است که با توجه به بررسی انجام شده در قبل معلوم می‌شود این معانی از قبیل لازم معنای وسیله است. برای نمونه، در لسان العرب نخستین معناهایی که برای وسیله آمده، از این قرار است:

(وسل) الْوَسِيلَةُ: الْمُنْزِلَةُ عِنْدَ الْمَلِكِ. وَالْوَسِيلَةُ: الدَّرَجَةُ. وَالْوَسِيلَةُ: الْقُرْبَةُ. وَوَسَّلَ فُلَانًا إِلَى اللَّهِ وَسِيلَةً إِذَا عَمِلَ عَمَلًا تَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِ.<sup>۱</sup>

ابتدا و در تأیید نکات قبل، دقت شود که در انتهای این نقل، معنای ما يُتَقَرَّبُ به برای وسیله به روشنی ذکر شده است. نیز دقت شود که وقتی برای وسیله، معنای ای نظیر جایگاه نزد پادشاه و درجه نام برده می‌شود، در حقیقت وسیله اعم از عمل در نظر گرفته شده است؛ به‌ویژه که در ادامه‌ی همین نقل آمده است:

وَ تَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِكَذَا: تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِحُرْمَةٍ آصِرَةٍ تَغِطُّهُ عَلَيْهِ. وَالْوَسِيلَةُ: الْوُضْلَةُ وَالْقُرْبَى، وَجَمْعُهَا: الْوَسَائِلُ

که در اینجا به جای وسیله، از احترام نزدیک‌کننده نام برده شده است.

اما درباره‌ی معنای قربت و درجه و منزلت باید گفت با توجه به دیگر کتاب‌های لغت و اصل معنای «وسل» که طلب و خواستن است،<sup>۲</sup> مشخص است که معنا کردن وسیله به جایگاه یا نزدیکی، از باب تسمیه‌ی سبب به اسم مسبب است؛ یعنی نتیجه‌ی فعل نزدیکی جستن به واسطه‌ی چیزی را که نزدیک شدن و جایگاه یافتن نزد کسی است، به عنوان معنای آن به کار برده‌اند که البته این، مجازی رایج است.<sup>۳</sup> پس از بررسی و دقت در بحث لغوی، این نتیجه به دست می‌آید که:

(۱) در تاج العروس، زبیدی نیز همین مضمون آمده است.

(۲) «الْحَصْرَةُ: مَا يَغِطُّكَ عَلَى رَجُلٍ مِنْ رَجْمٍ أَوْ قَرَابَةٍ أَوْ صَهْرًا أَوْ مَعْرُوفًا».

(۳) در کتاب الفروق اللغویة، عسکری ذیل «الفروق بین الوسيلة والدَّرِيعَة» نیز این مطلب قابل مشاهده است.

(۴) البته این منظور در موارد دیگری نیز لازم معنا و معانی مجازی را در ابتدا آورده است؛ مانند معنای رکوع که به عنوان اولین معنا، معنای مجازی خضوع را ذکر کرده است!

توسل طلب نزدیکی به چیزی است که واسطه‌ی آن، وسیله نامیده می‌شود؛ خواه این تقرّب مادی باشد یا معنوی، و خواه این قربت حاصل شود یا نه. همچنین وسیله می‌تواند هر چیزی باشد که البته در کتاب‌های لغوی به‌طور معمول به عمل اشاره شده است. به همین ترتیب متوسّل‌الیه نیز می‌تواند هر چیزی باشد که در کتاب‌های لغت بیشتر از واژه‌ی جلاله‌ی «الله» نام برده شده است. روشن است که اگر متوسّل‌الیه خداوند باشد، قرب مادی و مکانی معنا ندارد.

### «سبب» و «ذریعه»

جا دارد در اینجا به دو لغت مترادف با وسیله هم اشاره کنیم تا در ادامه‌ی مباحث و در پی‌گیری از روایات، مورد استفاده‌ی آن را بنگریم.

معمولاً اصل معنای سبب را ریسمانی گرفته‌اند که با آن آب را از چاه بالا می‌کشند،<sup>۲</sup> ولی در بیشتر کتاب‌های لغت بلافاصله اشاره شده است که این معنا از سبب، مبنایی شده تا هر چیزی که ما را به چیز دیگری برساند، سبب نام گیرد:

... وَ السَّبْبُ: الْحَبْلُ وَ هُوَ مَا يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الْإِسْتِغْلَاءِ ثُمَّ اسْتَعِيرَ لِكُلِّ شَيْءٍ يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى أَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ...<sup>۳</sup>

... وَ السَّبْبُ: كُلُّ شَيْءٍ يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى غَيْرِهِ؛ وَ فِي نُسَخَةٍ: كُلُّ شَيْءٍ يُتَوَسَّلُ بِهِ إِلَى شَيْءٍ غَيْرِهِ، وَ قَدْ تَسَبَّبَ إِلَيْهِ، وَ الْجَمْعُ: أَسْبَابٌ؛ وَ كُلُّ شَيْءٍ يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ، فَهُوَ سَبَبٌ. وَ جَعَلْتُ فُلَانًا لِي سَبَبًا إِلَى فُلَانٍ فِي حَاجَتِي وَ وَدَجَأُ أَيُّ وُضَلَةٌ وَ ذَرِيعَةٌ...<sup>۴</sup>  
... السَّبْبُ، وَ هُوَ الْحَبْلُ الَّذِي يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الْمَاءِ، ثُمَّ اسْتَعِيرَ لِكُلِّ مَا يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى شَيْءٍ...<sup>۵</sup>

(۱) برای مثال در دعای کمیل می‌خوانیم: «... وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ».

(۲) ظاهراً ریسمانی که از بالا انداخته شده باشد در این واژه مورد عنایت است: «وَ قِيلَ: لَا يُسَمَّى الْحَبْلُ سَبَبًا حَتَّى يَكُونَ طَرَفُهُ مُعَلَّقًا بِالسَّقْفِ أَوْ نَحْوِهِ». (تاج العروس، زبیدی) «وَ لَا يُدْعَى الْحَبْلُ سَبَبًا حَتَّى يَضَعَدَ بِهِ وَ يُنَحَدَرُ بِهِ» (لسان العرب، ابن منظور).

(۳) المصباح المنير، فيومي.

(۴) لسان العرب، ابن منظور.

(۵) التّهاتة، ابن أثير و نظیر این بیان در: صحاح، جوهری؛ العين، فراهیدی؛ القاموس المحيط، فیروزآبادی؛ تاج العروس، زبیدی و... .

چنان‌که می‌بینیم، سبب به چیزی اطلاق می‌گردد که موجب رسیدن به چیزی می‌شود. باز هم می‌بینیم که در اینجا این معنا نیز عمومیت دارد؛ به این ترتیب که هم کَلَّ شَيْءٍ وَالشَّيْءُ عام به کار رفته است و هم أَمْرٌ مِنَ الْأُمُورِ افاده‌ی عمومیت می‌کند و همچنین می‌بینیم در لسان العرب، انسان هم می‌تواند مصداقی از سبب باشد.<sup>۱</sup> اگر به یاد داشته باشیم در معنای وسیله دیدیم که:

هِيَ فِي الْأَصْلِ مَا يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ وَيُتَقَرَّبُ بِهِ.<sup>۲</sup>

این مضمون با معنای سبب بسیار نزدیک است. از این رو، در معنا کردن سبب از توسل نیز استفاده شده است. این نکته در کاربرد واژه‌ی ذریعه برای سبب که آن هم به معنای وسیله است، تأکید بیشتری می‌شود.

در خصوص واژه‌ی ذریعه هم، چنین ترادفی با وسیله دیده می‌شود:

الدَّرِيْعَةُ: الْوَسِيْلَةُ... وَالدَّرِيْعَةُ: السَّبَبُ إِلَى الشَّيْءِ... يُقَالُ: فُلَانٌ ذَرِيْعَتِي إِلَيْكَ أَي سَبَبِي وَوُضِلْتِي الَّذِي أُتَسَبَّبُ بِهِ إِلَيْكَ.<sup>۳</sup>  
وَتَدْرَعُ بِذَرِيْعَةٍ: تُوَسَّلُ بِوَسِيْلَةٍ.<sup>۴</sup>

بدین ترتیب، لغویان در بیان معنای هریک از این سه واژه، از دو واژه‌ی دیگر استفاده کرده‌اند و از این رو، به راحتی می‌توان این سه واژه را به جای یکدیگر به کار برد و آنها را مترادف هم دانست. این مطلب در ارائه‌ی شواهد نقلی برای توسل به اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ و در توسعه‌ی مدارک روایی به ما کمک خواهد کرد که در عناوین آینده بدان خواهیم پرداخت.

(۱) در لغت به «علت» هم سبب گفته می‌شود؛ چون ما را به نتیجه و معلول می‌رساند. همچنین به راه و طریق هم سبب گفته شده است؛ چراکه مقصد در انتهای آن است و سپردن راه، ما را به مقصد می‌رساند.

(۲) التَّهْيَاةُ، ابن أثیر و نظیر آن: المصباح المنیر، فیومی؛ لسان العرب، ابن منظور؛ تاج العروس، زبیدی؛ مجمع البحرین، طریحی؛ مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی.

(۳) لسان العرب، ابن منظور.

(۴) القاموس المحیط، فیروزآبادی و نظیر این دو مضمون: تاج العروس، زبیدی؛ المصباح المنیر، فیومی؛ مجمع البحرین، طریحی؛ و صحاح، جوهری و...

(۵) درباره‌ی تفاوت میان ذریعه و وسیله هم در کتاب الفروق فی اللّغة، عسکری بیانی آورده است که باز هم صرف نظر از این دقت، می‌توان این دو واژه را هم معنا دانست و به جای هم به کار برد.